

یادگیری زبان مثل کودکان؟

Since the beginning of my career

از ابتدای کارم

I have always cherished the idea of learning a language

همیشه ایده ی یادگیری زبان

just like children.

دقیقا مثل یه بچه رو گرامی داشتم.

But for most of you guys,

ولی برای بیشتر شمایی که

while studying your textbooks in a class-based method,

کتاب های آموزشی رو با روش کلاس زبانی میخونید

hearing this sounds a little off.

ممکنه شنیدنش، به نظر خوب نیاد.

Today we'll talk about it.

امروز در این مورد صحبت میکنیم.

Let's start with this...

بذار با این شروع کنیم...

Studies have shown that learning a language

مطالعات نشون دادن که احتمال یادگیری زبان

at a native-like level is more possible

در سطح یه بومی زبان

before the age of twenty.

قبل از سن ۲۰ سالگی بیشتره.

This being said, let me clarify

با این حال، بذار برات شفاف سازی کنم

why most people struggle to achieve this level of mastery

که چرا بیشتر آدم‌ها برای اینکه بعد از ۲۰ سالگی

after the age of 20.

به این سطح از تسلط برسند تقلا میکنند.

We still have the same brain,

ما همچنان همون مغز رو داریم

we still have a lot of potential to learn

هنوز همون پتانسیل یادگیری رو داریم

especially in this era of technology,

مخصوصا تو این عصر تکنولوژی

and now as an adult

و حالا به عنوان یه بزرگسال

we have more tools and capacity

**ابزار و توانایی بیشتری**

to learn a language faster than a child.

**برای زودتر یادگرفتن زبان نسبت به یه بچه رو داریم.**

Like the ability of reading

**مثل توانایی خواندن**

To make it as simple as possible

**برای اینکه تا جای ممکن آسونش کنم**

let me break this down into three main areas:

**بذار به سه بخش اصلی تقسیمش کنم:**

our problems are:

**مشکلات ما اینها هستن:**

## 1. Limiting beliefs

یک: باورهای محدود کننده

## 2. Psychological obstacles

دو: موانع روانی

## and 3. Life circumstances

و سه: شرایط زندگی

Let's start with the first one

بریم با اولی شروع کنیم

Limiting beliefs.

باورهای محدود کننده

How many times have you postponed speaking the language

چند بار تا حالا صحبت کردن به اون زبان رو

because you lacked self-confidence?

بخاطر عدم اعتماد به نفس عقب انداختی؟

Children simply don't give a damn.

بچه ها به سادگی اهمیت نمیدن.

If they use the wrong verb,

اگه از فعل اشتباهی استفاده کنن

they still continue speaking the language.

بازهم صحبت کردن به اون زبان رو ادامه میدن.

Because unlike us, adults

، چون برخلاف ما، بزرگترها

they are massively focused on communication

اونها شدیداً روی ارتباط برقرار کردن متمرکز هستن

rather than looking cool or perfect.

به جای اینکه رو خفن یا بی نقص به نظر رسیدن تمرکز کنن.

Thanks to school and the grading system

به لطف مدرسه و سیستم نمره گذاری

we have been turned into judgy people.

ما تبدیل به آدم های قضاوتگری شدیم.

And all of these bad beliefs

و تموم این باورهای بد

will slow us down.

سرعتمون رو کم میکنن.

Thank god we as adults

خدا رو شکر ما به عنوان بزرگسال

still can undo all of these if we want.

اگه بخوایم میتونیم همه ی این ها رو برگردونیم به حالت قبل.

From now on focus on the communication, not perfection.

از این به بعد، تمرکزت رو بذار رو ارتباط برقرار کردن، نه عالی بودن.

Number 2

شماره دو

Psychological obstacles

موانع روانی

Most of you use vocab lists to learn new vocabulary.

بیشترتون برای یاد گرفتن لغات جدید از لیست لغات استفاده میکنین.

Most of you

بیشترتون



don't even want to try learning a language through context

حتی نمیخواهین یادگیری زبان از طریق متن رو امتحان کنید

because for whatever reason you feel like it's crap

چون بنا به یه سری دلایل، فکر میکنین بیخوده

or a huge waste of time.

یا وقت تلف کردنه.

Or maybe you say I'm old,

یا شایدم میگین که من سنم بالاست

or I'm not smart enough

یا به اندازه‌ی کافی باهوش نیستم

or I'm not rich enough to buy this amazing course...

یا اونقدری پولدار نیستم که این دوره‌ی عالی رو بخرم...

or you name it.

یا هرچی که فکرش رو بکنی.

We can go on and on and on...

میتونیم ادامه بدیم و ادامه بدیم...

and talk about all of these excuses

و در مورد همه ی این بهانه ها

which are rooted in your ego.

که درونتون نهادینه شدن، صحبت کنیم.

You don't want to feel or sound stupid making mistakes.

نمیخواین با اشتباه کردن احساس حماقت کنید یا احمق به نظر بیاین.

So you end up taking the easiest path possible.

پس در نهایت آسون ترین مسیر ممکن رو در پیش میگیرین.

It's easy to memorize vocabulary through vocab lists,

**حفظ کردن لغات از لیست لغات آسونه**

it's easy to study textbooks in a classroom with a teacher.

**خوندن کتاب های آموزشی تو کلاس همراه با معلم آسونه.**

Because it's easy for you to blame that person

**چون سرزنش کردن اون آدم**

or that thing for your failure.

**یا اون چیز بخاطر شکستت آسونه.**

These are the obstacles we have in our brains.

**اینا موانعی هستن که تو مغزمون داریم.**

Everyone should be able to learn independently

**همه باید یاد بگیرن به طور مستقل**

through real and authentic context.

از طریق متن های واقعی و معتبر یاد بگیرن.

I'm not just saying this,

اینا رو همینطوری نمیگم

this is actually how your brain works.

مغزتون واقعا همینطوری کار میکنه.

Have these methods you've been using for so long worked?

این روشایی که اینهمه مدت دارین ازش استفاده میکنین نتیجه داده؟

No.

نه.

or at least they haven't been as effective

یا حداقل اونقدری که میخواستین

as you wanted them to be.

موثر نبودن.

Why?

چرا؟

Because your brains won't learn this way.

چون مغزتون از این راه یاد نمیگیره.

Number three – Life circumstances.

شماره سه: شرایط زندگی

Those lucky children,

اون بچه های خوشبخت

they don't have to work or pay the bills or drive a car,

مجبور نیستن کار کنن یا قبضی پرداخت کنن یا رانندگی کنن

or take care of the family or whatever.

یا از خونواده سرپرستی کنن یا هرچی.

They are free as hell

آزادِ آزادن

So yeah, I get it.

خب آره، میفهمم.

These lucky monsters can learn much easier than us.

این هیولاهای خوشبخت خیلی راحت تر از ما میتونن یاد بگیرن.

Indeed they don't have a choice...

در واقع انتخاب دیگه‌ای ندارن...

They have to learn the language otherwise they can't survive.

اونا باید زبان یاد بگیرن، وگرنه نمیتونن دووم بیان.

We have to work and take responsibilities for our lives.

ما باید کار کنیم و مسئولیت زندگیمون رو قبول کنیم.

And we are not forced to learn a language,

و مجبور به یادگیری زبان نیستیم

that is why we procrastinate learning it.

واسه همینه یادگیریش رو پشت گوش میندازیم.

Those lucky monsters

اون هیولاهای خوشبخت

have another advantage over us

یه برتری دیگه هم نسبت به ما دارن

and that is TIME.

و اون زمانه.

Let me break it down for you

بذار خوب برات توضیحش بدم.

let's assume to reach fluency in English

بیا فرض کنیم برای رسیدن به سلاست تو انگلیسی

you need 500 hours of focused studding.

به ۵۰۰ ساعت مطالعه‌ی متمرکز نیاز داری.

If we do the math

اگه حساب کنیم

we will see it takes more than 500 days

میبینیم که بیشتر از ۵۰۰ روز طول میکشه

which is equivalent of almost a year and a half

که تقریبا برابره با یک سال و نیم



to learn the freaking English.

برای یادگیری انگلیسی لعنتی.

But the child sleeps 8 hours a day

ولی یه بچه ۸ ساعت در شبانه روز میخوابه

and has 16 hours to immerse himself to the language.

و ۱۶ ساعت برای اینکه خودش رو غرق در زبان بکنه وقت داره.

And let's say this immersion continues to the age of 18.

و فرض کنیم این موضوع تا ۱۸ سالگی ادامه پیدا میکنه.

These little cute monsters, can:

این هیولاهای کوچیک بامزه میتونن:

16h multiply by 365days multiply by 18 years

۱۶ ساعت ضربدر ۳۶۵ روز ضربدر ۱۸ سال

equal to 105,120h of language immersion.

برابر با ۱۰۵۱۲۰ ساعت غوطه‌وری در زبان.

So this is why they are the master of that language

پس به همین دلیل که اونا به اون زبان مسلطن

yeah

آره

comparing ourselves to them is stupid

مقایسه‌ی خودمون با اونا احمقانه‌ست

so again let me ask you this

پس بذار دوباره این روات بپرسم

Can adults learn a language like children?

بزرگسالان میتونن مثل بچه‌ها زبان رو یاد بگیرن؟

the answer is: of course they can

جوابش اینه: معلومه که میتونن

If they maintain positive, consistent

اگه مثبت، ثابت قدم

and of course optimistic.

و البته خوشبین بمونن.

The method children are using is to immerse themselves

روشی که بچه ها استفاده میکنن غوطه وری

into the language.

درزبانہ.

Can you immerse yourself into the language?

شما میتونین خودتون رو کاملا در زبان غوطه ور کنید؟

Yes, you can.

**بله، میتونین.**

If you are living in America

**اگه داری تو آمریکا**

or any other English speaking country

**یا هرکشور انگلیسی زبان دیگه ای زندگی میکنی**

you have the environment

**محیطش رو داری**

so you can immerse yourself into the language

**پس میتونی خودت رو غرق در اون زبان کنی**

and learn like children.

**و مثل بچه ها یاد بگیری.**

But if you are not living in these countries

ولی اگه تو این کشورها زندگی نمیکنی

which I'm sure most of you aren't

که مطمئنم بیشترتون نمیکنید

you can still simulate that environment for yourself.

هنوز هم میتونی اون محیط رو برای خودت شبیه سازی کنی.

Of course it's not going to be exactly

البته که قرار نیست دقیقا

like living in those countries

مثل زندگی کردن تو اون کشورها باشه

but it's going to be enough to get you fluent in English.

ولی برای سلیس شدن در انگلیسی کافیه.

Start reading books, listening to podcasts, watching movies,

شروع کن به مطالعه ی کتاب، گوش دادن به پادکست، تماشای فیلم

speaking with your partners and so on.

حرف زدن با پارتنر و غیره.

And I gotta mention

و باید اینم ذکر کنم

you can find all of these in Zabanshenas.

میتونید همه ی اینا رو تو زبانشناس پیدا کنید.

Books, podcasts, movies, courses

کتاب، پادکست، فیلم، دوره

anything you want you can find in Zabanshenas.

هرچیزی که بخواید رو میتونید تو زبانشناس پیدا کنید.

Check out the link in bio or this link.

لینک تو بایو یا این لینک رو چک کن.

Until next time. cheers!

تا دفعه ی بعد. خدا نگهدار!